



عقلانیت ورزی باید از اصول محوری آموزش و پرورش شود

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية گفت: عقلانیت ورزی باید یکی از اصول اساسی آموزش و پرورش شود بدین معنی که در تعلیم و تربیت روی مباحث آموزشی بویژه بر روی آموزش کودکان دقیق عمل کنیم.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية گفت: عقلانیت ورزی باید یکی از اصول اساسی آموزش و پرورش شود بدین معنی که در تعلیم و تربیت روی مباحث آموزشی بویژه بر روی آموزش کودکان دقیق عمل کنیم. حجت الاسلام محمد جواد زارعان در مورد اینکه عقل و خرد در زندگی فردی و جمعی چه جایگاهی دارد و اینکه در اندیشه دینی از عقل به عنوان «رسول درون»؛ یاد شده چه معنایی دارد به خبرنگار مهر گفت: یکی از موضوعاتی که بین دو دین اسلام و مسیحیت خیلی قابل توجه است و جایگاه قابل بحث و جدی ای دارد همین رابطه عقل و دین است که حالا وارد بحث کلی اش نمی شوم. اما اجمالاً این است که در نگاه اومانیستی و انسان مداری به عقل یک جایگاه محوری می دهند یکی از ارکان اومانیسم عقل گرایی است. در اومانیسم عقل چنان جایگاه والایی دارد که انسان به هیچ چیز دیگری از جمله وحی و دین نیازی ندارد. می گویند برای اینکه انسان عقل دارد و عقل هم برای تدبیر زندگی کفایت می کند پس نیازی به چیز دیگری نیست. یک نوع تعارضی میان عقل و وحی می بینند.

وی ادامه داد: در اندیشه اومانیسم این چنین است اگر بخواهیم از عقل خود استفاده بکنیم نتیجه اش این می شود که نیاز به دین نداریم یعنی کسی که دین مدار است از عقل خود استفاده نمی کند و اگر عقل محور است دیگر نیازی به دین ندارد. اما در نگاه اسلامی همین جایگاه و اهمیت به عقل داده شده و عقل در تعبیر روایی ما چنان جایگاه بلندی به آن داده شده که به عنوان مخلوق اول و نعمت الهی از او یاد شده اما نتیجه ای که در دین اسلام از آن گرفته می شود این است که اگر انسان از عقلش استفاده کند نتیجه آن دین محوری خواهد بود یعنی اگر بخواهیم دین محور باشیم لازمه اش این است که از عقل خود استفاده کنیم. امیر مؤمنان (ع) روایتی دارند که می فرمایند اگر مردم در نعمات الهی تفکر نکنند و در این قدرت لایزال الهی تأمل نکنند به طور اتوماتیک وار این تأمل و تفکرشان موجب می شود که به ذات الهی اعتقاد و باور پیدا کنند. یعنی دین محوری و باور به خدا نتیجه تعقل و تفکر است.

زارعان تصریح کرد: در رساله های عملیه هم داریم که در اصول دین تقلید جایز نیست و اصول دین زمانی برای فرد ارزشمند می شود که از عقلش استفاده بکند و بر پایه عقل محوری خود آنها را شناخته باشد. در فروع دین تقلید طبیعی است و انجام می پذیرد. اما در اصول دین بدون آنکه استدلال عقلی پشتش باشد کسی حق ندارد تقلید کند و اگر بدون استدلال عقلی اصول دین را اطاعت کند و بپذیرد تقلید کورکورانه از آباء و اجداد و فرهنگ و محیط اطراف است که ارزشی ندارد. ارزش مسلمانی در این است که بر اساس یک استدلال عقلی فرد به خدا رسیده باشد. بنابراین نگاه اسلامی از استفاده از عقل و عقلانیت نتیجه اش دین محوری خواهد شد دین مبتنی بر عقل است این بر خلاف نگاه اومانیستی است که میان عقل و دین تعارض قائل است.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية در مورد اینکه جامعه ایرانی تا چه میزان در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی عقلانیت را مدنظر قرار می دهد هم افزود: حکم واحدی برای کلیت جامعه ایرانی نمی شود داد. کسانی هستند در این فضای جامعه ایرانی که همه گام های خود را بر اساس اصول و ضوابط عقلانیت بر می دارند کسانی هم هستند که از بسیاری از مسائل مهم و اساسی خودشان سر، سری می گذرند و به آن اهمیت نمی دهند. کسانی دارای یک فرهنگ ریشه دار هستند که از عقلانیت خود بهره می برند و جایگاه رفیعی طبق دستورات اسلام به عقلانیت و اندیشه ورزی عطا می کنند. کسانی که از این مسئله فاصله گرفته اند قاعدتاً در خسران خواهند بود و نتیجه آن یک زندگی بی فایده خواهد بود.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية عنوان کرد: شاید در مجموع بتوان گفت در فضای تعلیم و تربیت کودکان خودمان و رشد عقلانی نسل آینده به عقلانیت بیشتری نیاز داریم عقلانیتی که هم تدبیر امور زندگی بشر را بکند و هم زمینه ای برای دین ورزی بیشتر فراهم بکند. هنوز آموزش و پرورش این مقام را در جایگاه تئوری و متون درسی در تربیت و رفتار معلمان نهادینه نکرده است. باید کودکان و نوجوانان در یک فضای مهارت اندیشه ورزی رشد کنند و یاد بگیرند که چگونه فکر و استدلال کنند و منطق به خرج بدهند و با نگاه عقلانی و فلسفی در پایه های دینی و علمی رشد کنند.

این محقق و پژوهشگر دین در مورد اینکه اگر بپذیریم که جامعه ما کمتر به عقلانیت تکیه دارد علل و ریشه های آن چیست، گفت: تأکید می کنم وقتی از عقلانیت صحبت می کنیم آن عقلانیتی است که در نگاه روایی و دینی به صورت خودکار ما را به دین ورزی بیشتر می کشاند بنابراین می توانیم بگوییم اگر احیاناً کسانی در جامعه باشند که دین ورزی لازم را ندارند یا در برابر شبهات لرزان هستند و آن قدرت استقامت را ندارند آنها کسانی هستند که اندیشه ورزی کمتری دارند اگر به این معنا فکر کنیم به طور طبیعی می توانیم بگوییم که عده ای در جامعه آن عقلانیت لازم را ندارند و ریشه اش هم در تعلیم و تربیت افراد است. اگر افراد بر اساس عقلانیت رشد داده باشند قاعدتاً به آن دین ورزی و تأمل در فضای محیط زندگی اشان می رسند و در تمام نعمات الهی تأمل می کنند

و در تمام داشته هایی که دارند تفکر می کنند از همه اینها استفاده می کنند اگر عقل ورزی و اندیشه ورزی نباشد یک نوع سهل انگاری و سرسری رد شدن غیر اندیشانه برخورد کردن با مسائل زندگی به وجود می آید که قطعاً جای نگرانی دارد.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية در مورد اینکه راهکار ارتقای عقلانیت در جامعه هم اظهارداشت: راهکار ارتقای عقلانیت این است که عقلانیت یک مهارت در زندگی است مهارت ها هم در طول زندگی انسان کسب می شوند زمانی که بچه دو سه ساله است کودک باید این مهارت را شروع به فرا گیری کند یعنی به سؤالات و پرسشهای او به طور کامل جواب داده شود. پدر و مادرها باید راه تعامل با کودکان و نوجوانان خود را بدانند. اگر در همان زمان کودکی عقلانیت جزء تربیت کودکان قرار بگیرد افراد در جوانی و میانسالی و بزرگسالی خودشان کمتر با مشکل روبرو می شوند.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية یادآور شد: عقلانیت باید یکی از اصول اساسی آموزش و پرورش بشود بدین معنی که در تعلیم و تربیت روی مباحث آموزشی بویژه بر روی آموزش کودکان دقیق عمل کنیم. اجازه بدهیم آنها سؤال کنند سؤالات آنها را با توصیفات لازم پاسخ بدهیم اجازه بدهیم در ضمن بحث ها به استدلال پردازی های خود برسند آن زمان است که اندیشه های محکمی پیدا می کنند و با شبهات و بادهای فتنه انگیز که عقاید و باور کودکان ما را تهدید می کند مقابله می کنند. باید در آموزش و پرورش یک جایگاه والاتری به عقلانیت بدهیم تا یک آموزش و پرورش عمیق و ریشه داری برای کودکان خودمان داشته باشیم.